

کوردستان

ارگان حبی مسکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دموکراتیک و فدرال

شماره ۸۸۱ یکشنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۰، ۲۱ نوامبر ۲۰۲۱

۲

• دوره‌ی ۲۵۳ی مقدماتی پیشمرگه کوردستان به اتمام رسید

۲

• بیانیه مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران در رابطه با موج جدید بازداشت‌های فله‌ای در کوردستان

۳

• سپاه تروریست پاسداران رژیم ایران سعی در نفوذ میان مردم کوردستان دارد

۳

• اعتراف مسئولان رژیم به تبعیض سیستماتیک در کوردستان

www.kurdistanmedia.com



نگرانی مدیران «ماهان ایر» در پی افزایش اسناد همکاری با سپاه قدس

۷



سوگواری رژیم بر سر مزار رویاهای تدفین شده در عراق

۶



علت شدت تهاجم بر فرهنگ و ارزشهای ملت کورد و راهکار مقابله به مثل با آن

۵



مروری بر داستان پردازی «بازپسگیری نفتکش» و دروغ ۱۳ آبان

۴

برهوت حیات و فرسایش خاک



رژیم‌های توتالیتر در هنگامه ابطال طلسم تفکر ضد انسانی و متحجرانه خود به کارهای عجیب و غریب پناه می‌برند که فقط و فقط موجب سست شدن و مضحکه فکر و ایدئولوژی خودشان می‌گردد.

رژیم خمینی بر مبنای تحریف تاریخ و در فرم هیئت‌های عزاداری و نوحه‌سرایی شکل گرفته است و تمامیت نظام آن در شکل هیئت‌های شیون و نوحه نمایان می‌شود.

در این نمایش شیون و نوحه‌سرایی سرتاسری، ولی فقیه در قبال آخوند و کارگردان اصلی نمایش در راس مجلس می‌نشینند و تلویزیون و رسانه‌ها هم نیز به منبر تبلیغات و پخش نمایش نوحه‌سرایی و تضرع بدل می‌شود و از آن سو یک مزدور تهی مغز نیز که سپاه پاسداران نقش آن را بر عهده دارد، گاه گاهی با صدایی ناهنجار فریاد می‌زند تا علاوه بر فضای ماتمین و گریه، حضار و ناظران را بترساند که هر لحظه امکان یورششان به سوی مردم وجود دارد!

این نوع نمایش هیئت‌های عزاداری و نوحه‌سرایی را هزاران بار تکرار کرده‌اند و در سالهای آغازین، مردمی بسیاری را به گریه انداخته‌اند، اما بعد از افشاشدن دروغ‌هایشان و باطل شدن طلسم نوحه‌گری آنها، دیگر مردم نه تنها با این شیون به گریه نمی‌افتند بلکه به نمایش آنان می‌خندند و به حال خود گریه می‌کنند که چه کسانی حاکم ملک و کشور هستند و برای زندگی آنها تصمیم می‌گیرند.

هر جا و هرگاه جمهوری اسلامی ایران دچار ضعف و کاستی شده باشد، فوری استخوان و بازمانده یک لاشه نامعلوم را جمع آوری کرده و آن را در تابوتی نهاده و در خیابان و بازار آن را گرداننده است که گویا این بازمانده جنازه

نشانه گرفت. اعتراض اصفهان نیز به علت آب است و این نیز علیه رژیم تمام خواهد شد. مسبب همه حوادث و بحران‌ها در ایران رژیم حاکمه است.

عکس روزنامه‌های رژیم ایران که چنین نشان می‌دهند خشکسالی طبیعی است اما مردم می‌دانند که علت خشکسالی نیز رژیم ایران است. کرونا و سایر موارد دیگر کم نبود که اکنون فرسایش خاک نیز گریبان مردم را گرفته است و این نیز نتیجه سیاست‌های سپاه پاسداران و بیت علی خامنه‌ای است.

زمانی که در اعتراضات اصفهان مردم هورا کشیده و سوت می‌زدند و مهره رژیم را رسوا می‌کنند این پیام را به سران رژیم دادند که منبع اصلی همه شوربختی‌های مردم؛ خامنه‌ای و عوامل آن هستند.

طبق گزارش‌ها تا چند سال آینده زندگی در مراکز ایران قابل تحمل نیست و میلیون‌ها نفر مجبور به کوچ به زاگرس و البرز خواهند شد. بحران آب به یک ناکارآمدی جدی مبدل شده است و به جای استفاده از شیوه‌های علمی استفاده از آب با سدسازی و خارج ساختن مسیر رودها مناطقی را عمدا خشکانده‌اند.

صدها هزار هکتار زمین در کوردستان، احواز و لورستان و سایر نقاط به علت تغییر مسیر رودها ویران شده‌اند آن هم به این دلیل که گزارش‌های داخلی ایران حاکی از آن است که به علت سیاست‌های غلط رژیم ایران دیگر نه تنها خشک شدن رودخانه‌ها بلکه خشک شدن آب‌های زیرزمینی در ایران موجب شده است شهرها و روستا روی یک زمین پا برجا هستند که زیر آنها خالی و حفره است.

روزنامه «جمهوری اسلامی» ادعا کرده است که کشاورزان اصفهان به این دلیل اعتراض می‌کنند تا در این خشکالی دولت، زیان آنها را جبران کند. در حالیکه این دقیقا تحریف موضوع است و مشکل اصلی خشکسالی نیست چرا که در خشکسالی به علت کاهش بارندگی‌ها تنها در یک سال آب رودخانه کاهش پیدا می‌کند و در سال آینده دوباره چشمه‌ها و رودخانه‌ها زنده خواهند شد بلکه مشکل اساسی این است مایه حیات در ایران خشکانده شده است. گزارش‌های داخلی ایران حاکی از آن است که به علت سیاست‌های غلط رژیم ایران دیگر نه تنها خشک شدن رودخانه‌ها بلکه خشک شدن آب‌های زیرزمینی در ایران موجب شده است شهرها و روستا روی یک زمین پا برجا هستند که زیر آنها خالی و حفره است.

کارخانه صنعتی در حاشیه این رود ساخته شده است و سالانه میلیون‌ها دلار برای مرکز ایران و میلیاردها فساد مالی برای سران رژیم و سپاه پاسداران و باندهای مختلف رژیم داشته است. برای رساندن آب به پروژه‌های رژیم حاکم از کوردستان و لورستان آب‌های جاری را انتقال دادند و چندین مکان در احواز را خشکاندند تا شاید زاینده‌رود زنده باشد. اما فساد همه جانبه سران رژیم تا حدی است که به اعتراف خود مسئولان رژیم ایران مدیریت غلط آب موجب ویرانی شده است که دیگر نه تنها رودخانه خشک خواهند شد بلکه جویبارها نیز کویر خواهند شد و مراکز ایران دچار چاله و فرسایش خاک خواهد شد. مشکل اساسی در اصفهان این نیست که به علت خشکسالی، آب رودخانه کم کرده باشد. همچنان که روزنامه‌های رژیم ایران مانند

زمانی که به مانند همیشه مزدوران تحریف کار سعی کردند شعار بدهند و وانمود کنند که تجمع اعتراضی به علت خشکسالی بوده است و در آنجا با تمجید از ولی فقیه تظاهر کنند که این مردم علاوه بر سختی زندگی باز هم طرفدار ولی فقیه هستند اما مردم معترض با سوت و هورا کشیدن صدای تحریف آنان را رسوا کردند.

روز جمعه ۲۸ آبان ماه هزاران نفر از مردم شهر اصفهان به تجمع اعتراضی کشاورزان پیوستند و از تجمع آنان حمایت کردند و علیه رژیم ولایت فقیه شعار دادند. تجمع اعتراضی کشاورزان اصفهان نسبت به خشک شدن زاینده‌رود بود، چرا که با خشک شدن این رود مزارع و باغات مردم نابود شده است. زندگی میلیون‌ها نفر در مرکز ایران وابسته به رود زاینده‌رود است و این رود با عبور از اصفهان به توسعه این شهر کمک کرده بود و چندین

دوره‌ی ۲۵۳ ی مقدماتی پیشمرگه کوردستان به اتمام رسید



دوره ۲۵۳ مقدماتی پیشمرگه کوردستان در کوهستان‌های کوردستان طی مراسمی به اتمام رسید و شماری از دختران و پسران آزادخواه کورد به صفوف مبارزان حزب دمکرات کوردستان ایران پیوستند.

به گزارش خبرنگار وب سایت «کوردستان میدیا» در کوهستان‌های کوردستان، روز شنبه ۲۲ آبانماه ۱۴۰۰ خورشیدی، دوره ۲۵۳ مقدماتی پیشمرگه کوردستان با حضور بخشی از کادر، پیشمه‌رگه، مسئولین سیاسی و نظامی حزب در کوهستان‌های کوردستان برگزار شد.

ابتدا مراسم با سرود ملی «نهی رقیب» و یک دقیقه سکوت به احترام خون شهیدان کورد و کوردستان آغاز شد. سپس پیشمرگان، رژه و تمرینات نظامی که در دوره آموزش دیده بودند را به نمایش گذاشتند.

پس از آن «طاهر محمودی» عضو هیات اجرایی و مسئول دستگاه تشکیلات کل حزب دمکرات کوردستان ایران در این رابطه سخنانی را به استحضار شرکت کنندگان رساند. نامبرده اظهار داشت برگزاری این دوره حامی یک پیام برای رژیم ایران است که در تلاش برای نابودی نیروی

پیشمرگه ناکام مانده و هرگز در این کار موفق نخواهد شد. همچنین نامبرده در رابطه با وضعیت سیاسی و اقتصادی رژیم ایران در سطح داخلی و بین‌المللی عنوان کرد رژیم ایران روز به روز ضعیف تر می‌شود که در نهایت به نفع جنبش ملی دمکراتیک

کوردستان خواهد بود.

سپس از سوی پیشمرگان دوره سرودی اجرا شد که موجب با شکوهرت شدن مراسم شد. در بخشی دیگر از مراسم گزارش دوره آموزشی توسط «ایوب فتح‌اللهی» از استادان آموزشگاه خوانده شد. در بخشی دیگر چند نثری از

سوی «احسان رستگار» خوانده شد. در ادامه پیام دوره ۲۵۳ ابتدایی پیشمرگه توسط «سروه پور حسینی» از شرکت کنندگان دوره خوانده شد. در این مراسم به نفراتی که در بخش‌های سیاسی و نظامی موفق به کسب رتبه‌های یکم تا سوم

شده بودند توسط «ناصر فتحی» مسئول بخش سیاسی نیروی ۱۲۲ پیشمه‌رگه کوردستان جوایزی اهدا شد. «علیرضا حنیفی، بهاره ویسی و نعمت احمد زاده» نفرات اول تا سومی بودند که جوایز به آنان اهدا شد.

همچنین «علی بایزیدی، کمند ابراهیمی و سمیع علایی» نیز در نظم و دسیپلین نفرات اول تا سوم بودند که جوایزی توسط «ایوب فتح‌اللهی» به آنان اهدا شد. مراسم با سرودن شعری توسط دو شرکت کننده دوره با نام‌های «نعمت و سمیع» خاتمه یافت.

بیانیه مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران در رابطه با موج جدید بازداشت‌های فله‌ای در کوردستان



مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران در رابطه با موج جدید بازداشت‌های فله‌ای در کوردستان از سوی دستگاه‌های امنیتی رژیم ایران بیانیه‌ای منتشر کرد.
متن بیانیه به شرح زیر است:
محافل بین‌المللی!

سازمان‌های مدافع حقوق بشر! مردم شریف کوردستان!

دستگاه‌های امنیتی رژیم ایران در اقدامی سرکوب‌گرانه ده‌ها فعال مدنی در کوردستان را بازداشت و به مراکز امنیتی

منتقل کرده‌اند. روز پنج‌شنبه ۲۰ آبان ماه ۱۴۰۰ خورشیدی تا کنون ۲۸ نفر از فعالین مدنی که اکثریت فعالان فرهنگی و محیط زیستی در شهرهای بانه، مریوان و سقز می‌باشند از سوی نیروهای امنیتی اداره اطلاعات رژیم در

استان سنندج بازداشت و به اداره اطلاعات سپاه پاسداران رژیم ایران در شهر سنندج منتقل شده‌اند. این بازداشت‌های فله‌ای فعالان مدنی در کوردستان که همزمان با تغییر نیروهای سرکوب‌گر در مراکز امنیتی و مسئولان رژیم

پس از روی کار آمدن دولت رئیسی بوده است نشان از دشمنی بی پایان این رژیم با خاک و مردم کوردستان دارد. این رژیم تحمیل شده هم اکنون با ده‌ها بحران حل نشده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و مرتبط با زندگی روزمره مردم رو به رو بوده و در سطح بین‌المللی و منطقه نیز بیش از پیش منزوی و با کینه و بیزاری مردم هم مواجه است، هدف رژیم ایران از این اقدام علیه فعالان مدنی در کوردستان به نمایش گذاشتن قدرت پوشالی خود است. غافل از این که رژیم‌های پیشین این رژیم بیش از چهل سال است نیروهای سرکوب و دشمنی خود را علیه مردم کوردستان به کار گرفته‌اند که غیر از افزایش کینه و بیزاری مردم ثمر دیگری نداشته است.

اقدام سرکوب‌گرانه نیروهای امنیتی رژیم جمهوری اسلامی ایران از نیمه دوم آبان ماه سال جاری در حالی است که دادگاهی بین‌المللی در بریتانیا با حضور صدها شاهد و قربانی در حال بررسی

و تحقیقات در مورد جنایت‌های این رژیم علیه معترضان آبان ماه ۱۳۹۸ خورشیدی می‌باشد. مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران علاوه بر محکوم کردن این بازداشت‌های فله‌ای فعالان مدنی کوردستان، از محافل بین‌المللی و سازمان‌های مدافع حقوق بشر و همچنین مردم کوردستان و جامع مدنی درخواست دارد، که نسبت به سرکوب‌های رژیم ایران و سرنوشت فعالان بازداشت شده کورد بی تفاوت نباشند. همچنین امیدواریم در دادگاه بین‌المللی لندن که تصمصمات عادلانه‌ای نسبت به کشتار و سرکوب‌های این رژیم در کوردستان اتخاذ شود و رژیم ایران و عاملان این کشتار و سرکوب‌ها به سزای اعمالشان برسند.

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران
۲۲ آبان ماه ۱۴۰۰
۱۴ نوامبر ۲۰۲۱

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران: سیستم آموزش و پرورش باید از تحت امر فرهنگ شونیستی، واپس‌گرا و توتالیتاریزم رژیم ایران خارج شود



مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران
۲۱ آبان ماه ۱۴۰۰ خورشیدی

ادامه سخن

فلان کس است که در جبهه با حادثه‌ای کشته شده است و دوباره به نوحه‌خوانی و عزاداری پناه برده است تا احساسات مردم را تحریک کند و آنان را اغفال نموده و بدین شیوه کم و کاستی‌های ساخته دست خویش را پنهان نماید. در این نوع نمایش که بیشتر به عزاداری شبیه بود و اکنون مضحکه، سالانه چندین نمونه را برگزار می‌کند و چنان وانمود کرده که بازمانده کشته‌شدگان جنگ و ایران و عراق و یا کشته شده‌های جنگ داعش یا مدافعان حرم بوده‌اند که در بیشتر مواقع این تابوت‌ها نیز خالی بوده‌اند! برای رژیم فریبکار، این مهم است که نمایش نوحه‌خوانی را برگزار کند و فساد و بحرانهای خود را با آن لاپوشانی کند. چند روزی است که رژیم در کوردستان هم مشغول نمایشی سرتاسر مضحک است که گویا در یک مکان دورافتاده در میان یک دره در شهرستان دیواندره، چند استخوان را پیدا کرده‌اند و آن را در تابوتی نهاده و ادعا می‌کنند این استخوان‌های یک زن بوده که بیش از ۳۰ سال پیش کشته شده است! دور از حقیقت نیست که این زن به دست خود پاسدارهای رژیم کشته شده باشد و جنازه آن را دور انداخته باشند. اکنون می‌گویند بعد از ۳۰ سال استخوان آن را بیرون آورده و در تابوتی نهاده و در شهرستان دیواندره و سنه برای آن نوحه‌سرایی می‌کنند! تابوت‌های خالی رژیم که آنها را در میان مردم می‌گرداند و با آوردن بازمانده قاسم سلیمانی تنها نمایش را گرمتر می‌کنند، در حقیقت نمایش تهی شدن خود رژیم و آشکارا ساختن پوچی مغز مزدوران آنهاست که به دور تابوتی تهی گریه و زاری می‌کنند و بیش از هر زمان فروپاشی ایده‌های متحجرانه و تبلیغات بی محتوای خود را نمایش می‌کنند. شیون تهی نوحه‌خوانان هیئت نوحه‌سرایی ولایت فقیه، پوچی مغز این رژیم و عوامل آن را اثبات می‌کند.

بلکه هدف اصلی این سیستم یک‌رنگ کردن و ذوب و حذف هویت‌های مختلف و تحمیل هویتی رسمی بر آنها بوده و رژیم جمهوری اسلامی به عنوان ادامه‌دهنده این سیستم خصوصیات ارتجاعی مذهبی را به وظایف سیستم آموزش اضافه کرده که در آن نه معلم و نه دانش‌آموز صاحب منصب و حقوق خود نیستند. مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران علاوه بر حمایت از خواسته‌های به حق و دمکراتیک معلمان بر این حقیقت نیز تاکید می‌کند که سیستم آموزش و پرورش باید از تحت امر فرهنگ شونیستی و واپس‌گرایانه و توتالیتاریزم رژیم ایران خارج و به زمینه‌ای برای شکوفا شدن توانایی‌ها و ترویج فرهنگ و هویت ملل و اجزای

نیاز مدیریت و راهنمایی جامعه روبه پیشرفت و تامین زندگی آرزومندانه و پر از کرامت انسانی برای فرد و جامعه می‌باشد. در این میان وظیفه‌ای بسیار مهم بر دوش معلمان به عنوان جنبش اصلی جریان آموزش می‌باشد که برای انجام این وظیفه مقدس ابتدا باید کرامت و زندگی انسانی شایسته خودشان تامین شود که این مهم در یک سیستم دمکراتیک و انسان محور مهیا می‌شود که پایه آموزش خود برای خدمت به انسان تاسیس شده باشد نه برای خدمت به ایدئولوژی و تمامیت‌خواهی و تحمیل و آسمیله. بر همه آشکار است که از ابتدا هدف از تاسیس سیستم آموزش رژیم ایران پرورش انسان خوشبخت و آزاد با اعتماد به‌نفس نبوده است

رژیم و بیان خواسته‌های مرتبط با کم و کاست‌های سیستم آموزش، کرامت و معیشت زندگیشان، اقدام به تجمع اعتراضی کردند. در این اقدام معلمان در مقابل اداره آموزش و پرورش رژیم در شهرهای «کرماشان، سقز، مریوان، همدان، خرم‌آباد، اصفهان، تهران و تبریز و...» دست به تجمع اعتراضی زدند. در شهرهای کوردستان ایران مانند «سقز و مریوان» معلمان اعلام کردند که آموزش به زبان مادری از حقوق ابتدایی انسان‌ها است و بر این که آموزش مجانی و استاندارد حق تمامی دانش‌آموزان و وظیفه بی چون و چرای حکومت است، تاکید کردند. بی شک امروزه سیستم آموزش و پرورش انسان محور پایه‌ای‌ترین

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران نسبت به تجمعات اعتراضی معلمان در ایران و کوردستان طی بیانیه‌ای تاکید کرد که سیستم آموزش و پرورش باید از تحت امر فرهنگ شونیستی، واپس‌گرا و توتالیتاریزم رژیم ایران خارج و به زمینه‌ای برای شکوفا شدن توانایی‌ها و ترویج فرهنگ و هویت ملل و اجزای مختلف جامع ایران تبدیل شود.

متن بیانیه به شرح زیر است:
هم میهنان محترم!
مردم مقاوم کوردستان!
محافل بین‌المللی!

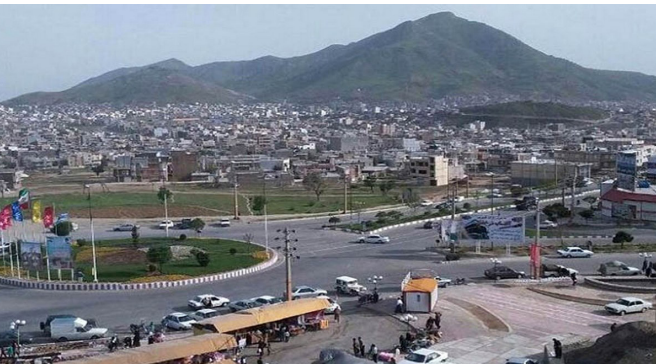
بر اساس اخبار رسیده روز پنج‌شنبه بیستم آبان ماه، معلمان در ۵۰ شهر کوردستان و ایران نسبت به تصویب طرح رتبه‌بندی در مجلس

سپاه تروریست پاسداران رژیم ایران سعی در نفوذ میان مردم کوردستان دارد

قلمداد کنند به همین دلیل از مردم درخواست می‌شود که فریب این مزدوران رژیم را نخورند. این تلاش سپاه تروریست پاسداران رژیم ایران در حالی است که در روزهای گذشته دستگاه‌های امنیتی رژیم در کوردستان بر فعالین مدنی یورش برده و پس از بازداشت آنان را به مراکز امنیتی خود منتقل کرده‌اند.

شهرستان را دارد که در یکی از این جلسات چندین شخصیت مذهبی نسبت به این تصمیم رژیم نارضایتی خود را اعلام کردند. خبرنگار و بسایت «کوردستان میدیا» اعلام کرده است، که اطلاعات سپاه تروریست پاسداران رژیم ایران افرادی اجیر شده را با لباس خاکی سازمان داده است که خود را میهن پرست و دلسوز

بر اساس گزارش رسیده به وبسایت «کوردستان میدیا» سپاه تروریست پاسداران رژیم ایران به صورت پی درپی اقدام به تشکیل جلسه در مساجد شهرستان «پانه» به منظور جذب مردم کرده است. بر اساس این گزارش سپاه تروریست پاسداران رژیم با پیشنهاد پاسدار «امری» سعی در ایجاد پایگاه‌های خود در مساجد این



ادامه پروپاگاندای رژیم علیه حزب دمکرات کوردستان ایران



تروریست و مزدوران رژیم را به اسارت خود درآورده و سپس آنان را آزاد نموده است. رژیم ایران به منظور منحرف کردن افکار عموم به صورت مستمر اقدام به ساخت چنین نمایش‌هایی علیه حزب دمکرات برای پوشاندن جنایت‌های ضد بشری خود کرده است.

پس از آزار و شکنجه کشته و در این محل دفن شده است. این تلاش رژیم ایران پروپاگاندا و به منظور کم رنگ کردن و تخریب پایگاه اجتماعی قوی حزب دمکرات در بتن جامعه کوردستان می‌باشد. حزب دمکرات کوردستان ایران در جریان مبارزات حق طلبانه ملت کورد بارها و بارها پاسداران

رژیم ایران این بار هم به مانند همیشه پایگاه اجتماعی حزب دمکرات را نشانه گرفته است. سپاه تروریست پاسداران رژیم ایران در منطقه «چلچمه» از توابع شهرستان دیواندره اقدام به حفاری محلی کرده و ادعا می‌کند که ۳۷ سال پیش زنی با نام «فاطمه اسدی» که همسرش از جانب حزب دمکرات بازداشت شده بود

اعتراف مسئولان رژیم به تبعیض سیستماتیک در کوردستان

و مراقبت از وضعیت آب سراب در دستور کار قرار بگیرد. بر اساس گفته‌های «رنجبر»، اراضی سراب نیلوفر وقف خاص است و این وقف در اختیار دادستان کل کشور و به طبع دادگستری کل استان است و ارگان‌های مربوطه نیز کمترین اقدامی در جهت رونق این جاذبه گردشگری انجام نمی‌دهند. سراب نیلوفر در ۲۵ کیلومتری شهرستان «کرماشان» قرار دارد.

و سرویس‌های خدماتی «سراب نیلوفر» اشاره کرد و نسبت به حفر چاه‌های عمیق اطراف این جاذبه گردشگری هشدار داد. در سال‌های اخیر مسئولان رژیم در استان با صدور مجوز حفر چاه عمیق باعث کاهش سطح آب این سراب شده است. به گفته کارشناسان منابع آب برای نجات «سراب نیلوفر» باید در اسرع وقت تمامی چاه‌های عمیق حفر شده در شعاع مذکور

عصر جمعه ۲۲ آبان ۱۴۰۰، «فضل الله رنجبر»، فرماندار «کرماشان» با اعتراف به تبعیض سیستماتیک که رژیم بر ملیت‌های ایران اعمال می‌کند، گفت، اگر ظرفیت خوب و خدادادی همچون «سراب نیلوفر» در استان دیگری بود قطعاً بهتر مورد توجه و رسیدگی قرار می‌گرفت. فرماندار «کرماشان»، به مسئله غیر قابل قبول بودن وضعیت بهداشتی، روشنایی، فضای سبز



مروری بر داستان پردازی «بازپسگیری نفتکش» و دروغ ۱۳ آبان



کیوان درودی

جمهوری اسلامی رویدادی را به فاصله ده روزه از وقوع آن، به شکل خبر منتشر می‌کردند.

در این روایت یک کشتی حامل نفت جمهوری اسلامی در آبهای عمان از سوی نیروهای آمریکایی مصادره شده و محموله آن پس از تخلیه، توسط یک نفتکش دیگر با نظارت و محافظت نیروهای آمریکا به سمت «نامعلومی» حرکت می‌کند. تا اینجا دو نفتکش در روایت سپاه وجود دارد که نفتکش نخست (الف) متعلق به جمهوری اسلامی و نفتکش دوم (ب) در اختیار نیروهای آمریکایی است.

باگ نخست و اصلی این حماسه‌سرایی جمهوری اسلامی این است که به روایت سپاه تروریستی پاسداران، این سازمان کشتی در حال حرکت (ب) را مصادره می‌کند، اما از آن به عنوان کشتی خود یاد می‌کند. این در حالی است که سرنوشت کشتی

نخست در هیچیک از گزارش‌ها منتشر شده، مشخص نیست! از سویی دیگر، در ویدئوهای تدوین شده رسانه‌های جمهوری اسلامی هیچ نشانی از رویارویی وجود ندارد، در حالی که طبق روایت جمهوری اسلامی، تروریست‌های سپاه، دستکم دو بار با ممانعت نیروهای آمریکایی در این عملیات مواجه می‌شوند و آنها را در «بازپسگیری نفتکش» ناکام می‌گذارند!

به فاصله کوتاهی از این رویداد «تانکرترکز» که رویدادهای مربوط به سوخت را پوشش می‌دهد، با استناد به تصاویر ماهواره‌ای و رصد کشتی‌ها، اعلام کرد که کشتی کنترل شده از سوی سپاه پاسداران، با پرچم ویتنام در مردادماه سال جاری محموله جمهوری اسلامی را به سواحل چین منتقل کرده و به «دلایل نامعلومی» بدون تخلیه بار، بار دیگر رهسپار خاورمیانه

شده است.

به عبارتی سپاه تروریستی پاسداران نفتکش متعلق به خود را مصادره و به سمت آبهای سرزمینی ایران هدایت کرده است! بر اساس افشاگری تانکر ترکز، کشتی (الف) آنگونه که جمهوری اسلامی روایت کرده، وجود خارجی نداشته و تنها یک کشتی در این واقعۀ موجود بوده و آن کشتی هیچ ارتباطی به آمریکایی‌ها ندارد و در واقع نفتکش ویتنامی بوده که سابقاً در خدمت ناوگان جمهوری اسلامی بوده است!

به فاصله اندکی، مقامات تایوانی خبر مصادره نفتکشی با پرچم این کشور توسط جمهوری اسلامی را تایید کردند. در حقیقت جمهوری اسلامی به دلیل تحریم‌ها از کشتی دیگر کشورها برای حمل سوخت استفاده می‌کند و این مورد نیز جزو همان کشتی‌ها بوده است که رسانه‌های جمهوری اسلامی از آن

به عنوان نفتکشی یاد کردند که گویا متعلق به نیروهای آمریکا بوده است.

حال باید این سوال اساسی را مطرح کرد که با وجود چنین رسوایی بزرگی در دروغ‌پردازی سپاه تروریستی پاسداران، چرا این سازمان کماکان به تولید چنین گزارشات کذبی دست می‌زند؟ پاسخ کمی سخت و در عین حال ساده است، مخاطبانی وجود دارد که با چنین گزارشاتی بر آنچه «اقتدار» جمهوری اسلامی خوانده می‌شود؛ صحنه می‌گذارند و همین دستاوردی برای دستگاه پروپاگاندای جمهوری اسلامی تلقی می‌شود.

این در حالی است که تنها اقدام جدی جمهوری اسلامی علیه آمریکا، به کشته شدن قاسم سلیمانی منجر شد.

در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۹۸، سامانه پدافند هوایی سوم خرداد نیروی هوافضای سپاه تروریستی

پاسداران، یک فروند پهپاد «نورثروپ گرومن آر کیو-۴» گلوبال هاوک» نیروهای آمریکا را هدف قرار داد.

پس از آن، در بامداد جمعه ۱۳ دی ۱۳۹۸، تروریست قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، در عملیات آذرخش کبود توسط نیروهای آمریکا کشته شد. جمهوری اسلامی برای لاپوشانی ضعف خود، با هماهنگی با دولت عراق و همچنین سوئیس که به عنوان حافظ منافع آمریکا با جمهوری اسلامی در ارتباط بود؛ حمله‌ای را علیه پایگاه‌های خالی آمریکا در عراق انجام داد.

این حمله در حالی صورت گرفت که نیروهای آمریکا با اطلاعاتی که از طریق دو دولت مذکور، دریافت کردند، اقدام به تخلیه پایگاه‌های خود کردند و جمهوری اسلامی از چنین شکست مفتضحی، به عنوان ضربه سنگین به آمریکا و «انتقام سخت» نام برد!

علت شدت تهاجم بر فرهنگ و ارزشهای ملت کورد و راهکار مقابله با آن



پیشوا صالحی

وقفه‌ی خود علیه مستبدان نه تنها برای رهایی ملت کورد از ظلم و ستم تلاش و فداکاری به عمل آورده است بلکه همیشه همانند الگویی مبارز و استوار در برابر مستبدان ظالم و پشت و پناهی برای سایر ملل تحت ستم در این سرزمین عمل کرده است، لیکن همیشه حاکمان خونخوار در رأس قدرت به ملت کورد همچون

سیاسی ایران هیچ گونه تغییری نکرده است و پروسه‌ی آسمیلاسیون فرهنگی و تهاجم ارزشی بر ملل تحت ستم در ایران همانند حاکمان پیشین همچنان ادامه دارد، این سیاست شوم توسط سردمداران رژیم حاکم بر ایران از همان اوایل به قدرت رسیدنشان تا به امروز به شیوه‌ای گسترده و برنامه‌ریزی شده در دستور کار قرار گرفته

پرسی که در این رابطه برای ما (ملت کورد) به میان می آید این است که در برابر چنین پروسه‌ای که سیستم حاکم در ایران بر تحقق آن که همانا به وجود آوردن یک ملت واحد با تاریخ، زبان، فرهنگ و حتی دین و مذهبی مشترک است چه باید کرد؟ آموزش زبان مادری و حمایت از موسسه و انجمن های فعال در این

و تاریخ ملتمان است و همچنین پرهیز از اجرای آداب و رسوم هایی که هیچ رابطه‌ای با ملت کورد ندارند و در اصل از جانب رژیم و به منظور جایگزین ساختن آن با آداب و رسوم اصیل ملت کورد اجرا و تبلیغ می شوند از جمله مواردی می باشند که به عنوان ضامنی برای ماندگاری ملتمان به شمار می آیند و مانند دژ محکمی در

که بیان شد کلیه‌ی مراکز فرهنگی، آموزشی، رادیو و تلویزیون داخلی در اختیار رژیم می باشد اما احزاب سیاسی نیز دارای امکانات آموزشی، رادیو و تلویزیون می باشند و مهمتر از آن جایگاه اجتماعی احزاب سیاسی می باشد که با مدیریتی درست و برنامه‌ریزی شده می توان در برابر سیاست های شوم رژیم به

با نگاهی تاریخی به شیوه‌ی عملکرد و رفتار حاکمان سرزمینی که امروزه در جوامع بین المللی با نام ایران رسمیت دارد نسبت به ملت های ساکن در جغرافیای سیاسی آن به راحتی در می یابیم که شدت تهاجم فرهنگی و ارزشی در رابطه با ملت کورد بسیار گسترده و سازمان یافته‌تر از سایر ملل تحت ستم در این جغرافیا می باشد، در واقع این چنین باید بیان کرد که وجود چنین رویکردی از جانب رژیم کنونی در قبال ملت کورد پیشینه‌ای تاریخی دارد، اگر به تاریخ حاکمان و سیستم های قبل از رژیم نامشروع جمهوری اسلامی نگاهی داشته باشیم به خوبی تفهیم خواهیم شد که رویکرد و سیاست سیستم های مستبد حاکم بر جغرافیای سیاسی ایران در رابطه با ملت کورد نه تنها تغییر نکرده بلکه رادیکالتر نیز شده است.

عامل اصلی شدت گیری تهاجمات فرهنگی و ارزشی بر علیه ملت کورد نسبت به سایر ملل تحت ستم در ایران مبارزات بی وقفه در برابر حاکمان در رأس قدرت و همچنین مبارزات ملی دمکراتیک ملت کورد در صد سال اخیر می باشد، در واقع ملت کورد در مبارزات بی

دشمنی خطرناک علیه منافعشان نگریسته‌اند و حفظ قدرت خود را در تضعیف یا نابودی این ملت غیور و مبارز خلاصه کرده‌اند بدین منظور آسمیلاسیون فرهنگی و همچنین تهاجم بر ارزش های این ملت غیور و مبارز همیشه در اولویت کار مستبدان و حاکمان این سرزمین بوده است.

بیش از چهار دهه از عمر ننگین بار رژیم ضدبشری جمهوری اسلامی سپری شده است و سیاست و برنامه‌های حاکمان خونخوار این رژیم مستبد نیز همچون حاکمان و سیستم های پیشین نسبت به ملت های ساکن در جغرافیای

است و سالهاست بر محقق ساختن آن اصرار می ورزند، ناگفته نماند متأسفانه در این زمینه نیز تا حدودی و در مواردی به موفقیت دست یافته‌اند.

با توجه به اینکه کلیه‌ی مراکز فرهنگی، آموزشی، رادیو و تلویزیون و ... در اختیار رژیم و در راستای محقق ساختن این پروسه‌ی شوم فعالیت به عمل می آورند رویارویی و مقابله به مثل برای ملت های مورد تهاجم بسیار دشوار می باشد اما این بدین معنا نیست که باید تسلیم شد و شاهد آسمیلاسیون فرهنگی و تهاجم بر ارزش های ملی شان باشند،

زمینه، آموزش تاریخ و جنبش های مبارزاتی کوردستان و همچنین معرفی اسطوره‌های ملت کورد و زنده نگاه داشتن یاد و نامشان، حمایت از خوانندگان و نوازندگان اصیل موسیقی کوردی، ساخت فیلم و مستند در رابطه با تاریخ، فرهنگ، موسیقی اصیل کوردی و انسان های نامی و اسطوره‌های ملت کورد و حمایت از افراد فعال در این زمینه، حفاظت از محیط زیست کوردستان و حمایت از فعالان و انجمن های فعال در این زمینه، اجرای باشکوه مراسم هایی که با رسومات تاریخی ملتمان همخوانی دارند و نشانگر تمدن

برابر تهاجمات رژیم عمل خواهند کرد. پرسش دیگری که در این رابطه به میان می آید این است که چه کسانی در قبال مواردی که بیان شد مسئولند؟ فعالیت و تلاش برای اجرای این موارد وظیفه‌ای ملی می باشد لذا همگان (ملت کورد) باید به اندازه‌ی توانایی و امکانات خود در برابر این وظایف مسئول باشند و تلاش در این زمینه را یک وظیفه‌ی ملی به حساب آورند. احزاب سیاسی در رابطه با این مسئله می توانند نقشی اساسی ایفا کنند برای نمونه همانگونه

کار گرفته شوند، عملکردی دیگری که بسیار ضروری می باشد و باید احزاب سیاسی آن را عملی سازند همکاری و همفکری در این زمینه می باشد این مهم، بهترین آلترناتیوی است که می تواند در برابر آسمیلاسیون فرهنگی و تهاجم ارزشی پدیدار شود، در این راستا ایجاد کارگروهی متشکل از احزاب سیاسی و دعوت از روشنفکران، کارشناسان و صاحب نظران برای حضور در آن بسیار ضروری است به گونه‌ای که بتوان به صورتی سازمان یافته و تخصصی در رابطه با تهاجمات رژیم مقابل به مثل شود.

بیش از چهار دهه از عمر ننگین بار رژیم ضدبشری جمهوری اسلامی سپری شده است و سیاست و برنامه‌های حاکمان خونخوار این رژیم مستبد نیز همچون حاکمان و سیستم های پیشین نسبت به ملت های ساکن در جغرافیای سیاسی ایران هیچ گونه تغییری نکرده است و پروسه‌ی آسمیلاسیون فرهنگی و تهاجم ارزشی بر ملل تحت ستم در ایران همانند حاکمان پیشین همچنان ادامه دارد،

سوگواری رژیم بر سر مزار رویاهای تدفین شده در عراق



امیر بنوخلفی

های شبه نظامی تندرو بود برای ناآرام کردن عراق و پا نگرفتن یک حکومتی که با تمایلات رژیم ایران هم خوانی نداشته باشد. در این قضیه رژیم از دو مسئله وحشت داشت که برای نظام ولایت مطلقه فقیه خط قرمز بود اولاً؛ هر حکومتی از غیر از حکومت شیعی متفاوت با حکومت

سرگرم درست کردن فرقه‌های شبه نظامی بود و در همان زمان هیچ وقت اجازه نمی داد که قدرت و پنتاسل نیرو یک جا متمرکز شود مدام آنان را تشویق به واگرایی میکرد تا همه این فرقه ها محتاج خودش باشند و آن قدر قوی نباشند که روزی در مقابل دستورات رژیم سرپیچی کنند به همین دلیل

بمب گذاری، حملات انتحاری نا آرامی ها در اوج خودش بودند ،رژیم ایران در راستای برنامه هایش در قبال همسایه‌اش روز به روز سیر صعودی به خود می گرفت. فسادهای کلان اقتصادی که در آن وقت ها صورت می گرفت زیر هیچ پرده‌ای نمی شد نهان کرد ،

فتوای مرجع بالای تشیع در عراق که از سوی سیستمی صادر شد به تشکیل نیروهای شبه نظامی دیگری پرداخت که زیر نام حشد شعبی متولد شد بار دگر بر احساسات مذهبی مردم سوار شد و مداخله‌ی خودش را قانونی تر کرد. چند سالی درگیری با نیروهای

آن بودند، خیابان شهر های جنوب عراق را فرا گرفت. نسلی تازه متولد شده و بیدار که فربح حيله و تزویر های رژیم مرتجع ایران را نخوردند، در شعار تظاهراتی آنان یک صدا بیرون راندن ایران را می طلبیدند. در چنین حالتی رژیم به دنبال موقعیتی بود برای رهایی یافتن از این بحران که دچارش شده بود.

این نگرانی ها برای رژیم در بالاترین سطح خودش قرار دارد. ترس از این داشته که سفره پهن کرده خود را در عراق جمع کند و این خاک را ترک ننماید.

روای هلال شیعی و مطیع کردن همجوارش بر باد رفت و تاکتیک هایش بازار چندانی ندارد و به هیچ شیوه‌ای قادر به نجات خویش نیست، به دلیل حصار ی که با جنایات شکل گرفته به دور خودش کشیده است.

اتفاقات افغانستان و ترک کردن خاک آن کشور از سوی امریکا و غالب شدن طالبان، گرچه در نگاهی به شیوه‌ای سطحی به این مسئله به نفع رژیم ایران باشد که همچون رژیمی مثل خودش در همجوارش حکمران است و قبلا هم کمک های مالی هنگفتی به آن

دقیقا وقتی که همه در خیالاتشان یک مدینه فاضله تصور می کردند بعد از خلاصی از رژیم بعث، رژیم ایران در عراق مشغول درست کردن فرقه و گروهک‌های شبه نظامی تندرو بود برای ناآرام کردن عراق و پا نگرفتن یک حکومتی که با تمایلات رژیم ایران هم خوانی نداشته باشد.

تروریستی دولت اسلامی موسوم به داعش تا حد زیادی افکار عموم را به سوی جنگ سوق داد، بالاخره بعد چندی از همه ی این اغتشاشات و سلاخی های روزانه که صورت می گرفت و اختتام داعش نزدیک بود به شیوه‌ی رسمی حیدر العبادی نخست وزیر وقت در سال ۲۰۱۷ پایان دولت اسلامی موسوم به داعش در عراق را اعلام کرد. قطعاً نگرانی

با بودجه بیش از ۱۰۰میلیارد دلار که قسمت عظیم آن مبهم است، معلوم نیست در کجای مملکت هزینه شده است، وضعیتی تاسف بار برای مردمی که زیر هزینه های هنگفت مالی تضرع می کردند و حملات انتحاری ای که روزانه انجام می گرفت، برای آنها عادی شده جوی های خونی که در جدول جوار خیابانها جاری می شد.

نیروهای وابسته رژیم زیاد و پراکنده بودند، هر وقت در جای می خواست با این گروهک های نیابتی سیاست های ضدانسانیش را اجرا می کرد.

در این میان هدف اصلی نظام قبضه کردن قدرت در عراق بود که بر همه دستگاه های اداری و نظامی تسلط کامل داشته باشد. سپاه قدس با سرکردگی قاسم سلیمانی به سیاستهای

جمهوری اسلامی ایران باشد مانند تهدیدی در پهلوی گوش او قرار دارد. دومی: آن زمان که عراق در دست نیروهای ائتلاف بود و مراحل حکومت انتقالی کما بیش جلو می رفت پیش نویس قانون اساسی در حال شکل گرفتن بود و رژیم مستبدي که مستقیماً با حمله نظامی امریکا سقوط کرده بعد از آن مردم آن کشور خوشبخت شوند و آرامش برای آنها به ارمغان آورده

از همان اوایل انقلاب ،رژیم ایران دم از صدور انقلاب اسلامی می زد. در خیال پردازی های خودش به دنبال ایجاد یک امپراتوری عظیم شیعی بود. هلال شیعی برنامه‌ی این نظام که به وضوح برای آن کار می کند لب گور به انتظار مرگ نشسته است.

بدون تردید سقوط رژیم بعث در سال ۲۰۰۳ این میدان را به رژیم ایران داد تا به اجرای برنامه‌هایش در عراق بهتر بپردازد و آن زمان سرآغاز جدیدی برای منطقه علی الخصوص عراق بود که در دریای جنگ های مذهبی و فرقه‌ای، تروریستی و ویرانگری غرق شد. در این سال ها بافت اجتماعی جنوب عراق به گونه‌ای بود که رژیم از همه لحاظ توانست بغداد را زیر سلطه خود قرار دهد اکثریت آن جامعه رژیم ایران را ناجی خود می دانستند و از آن به‌عنوان یک الگو یاد می کردند.

در آن زمان عراق در ناآرامی ها گم شده بود ولی امید ها زیاد بود

فسادهای کلان اقتصادی که در آن وقت ها صورت می گرفت زیر هیچ پرده‌ای نمی شد نهان کرد با بودجه بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار که قسمت عظیم آن مبهم است، معلوم نیست در کجای مملکت هزینه شده است، وضعیتی تاسف بار برای مردمی که زیر هزینه های هنگفت مالی تضرع می کردند و حملات انتحاری ای که روزانه انجام می گرفت، برای آنها عادی شده جوی های خونی که در جدول جوار خیابانها جاری می شد.

کرده و در داخل ایران آزادانه تردد داشتند، دقیقاً در بجه‌ی نیاز پشتیبان او بود، مبرا از پیش آمد های موجود است. هر چند الان هم فاتحه‌ی رویا های رژیم در عراق خوانده شده است. ولی احتمالی قوی آینده خاورمیانه به گونه‌ای خواهد بود که انزوای هرچه بیشتر رژیم ایران و برباد رفتن تمامی سرمایه‌هایش که در این سالها از جیب مردمان ایران هزینه کرده است را در پی خواهد داشت.

های رژیم بعد از این سناریو بروز کرده بود وحشت واقعی او بعد از خاتمه‌ی داعش بود چونکه دانسته بود توده‌ی مردم عراق ماهیت این رژیم مزموم را درک کرده‌اند. تظاهرات میلیونی مردم عراق علیه فساد مالی و مدیریت ناکارآمد مسئولان بلند پایه عراق و دخالت های بی وقفه‌ی رژیم و حضور سپاه قدس و قاسم سلیمانی در عراق و از بین بردن رویا های که در جهت رسیدن به سعادت در پی

همچون وضعیتی که در طی ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ وقوع پیدا کرد زمینه‌ی به‌پیدایش نیروهای افراطی در مرکز عراق کمک فراوانی کرد ،داعش که در پی منازعات داخلی سوریه شکل گرفته بود وضع عراق را فرصتی مناسب دید تا به قلمرو خود بیفزاید ،سقوط موصل و چند شهر دیگر سنی نشین در عراق بحران را به اوج خودش رساند در این وضعیت هم رژیم فرصت را مناسب دید با

جنایتکارانه رژیم جامه عمل میپوشاند. در انتخاباتهای بعد از سقوط رژیم پیشین بی گمان که در آن سپاه قدس رژیم نقش به سزایی ایفا کرد در به قدرت رسانیدن مهره های خودش و قاسم سلیمانی توانسته بود همه احزاب شیعی را سر یک سفره جمع کند که خودش پهن کرده بود .

در آن زمانی که چند سالی از سقوط بعث می گذشت جنوب و مرکز عراق در خون می غلتید

شود قطعاً چنین چیزی در حالی که همسوی ایران هم باشد، یک فاجعه برای رژیم توتالیتماری مثل رژیم ایران است، که مبدا امریکا در تصورات مردم ایران به ناجی تبدیل شود. برای ترسیدن و تحقق نیافتن این خواست ها رژیم بی وقفه مشغول آشوب و ناامنی در خاک عراق بود. ایجاد فضای ناامنی و اغتشاشی اولویت کار تهران بود که از سوی مهره‌های رژیم در جریان بود. رژیم مدام

به باسازی و ایجاد یک حکومت دمکراتیک که همه‌ی اقشار را در خود جای دهد. همه باهم همتی همگانی لازم بود برای تحقق یافتن رویاهای در یک سرزمین آزاد تا آینده را برای همه تضمین گرداند.

دقیقا وقتی که همه در خیالاتشان یک مدینه فاضله تصور می کردند بعد از خلاصی از رژیم بعث، رژیم ایران در عراق مشغول درست کردن فرقه و گروهک

در یک سال گذشته ۳ هزار پزشک متخصص از ایران مهاجرت کرده‌اند



محمد رئیس‌زاده، رئیس سازمان نظام پزشکی ایران، از افزایش تمایل پزشکان برای مهاجرت به کشورهای دیگر خبر داد و گفت: «به دلیل استقبال نکردن پزشکان از ادامه تحصیل در رشته‌های تخصصی و فوق‌تخصصی، ممکن است در سالهای آینده با بحران کمبود متخصص مواجه و ناچار شویم بیماران را برای ادامه درمان به کشورهای دیگر بفرستیم.»

رئیس‌زاده دلیل افزایش مهاجرت پزشکان را نبود شرایط مناسب ادامه کار در ایران دانست و افزوده پزشکان به دلیل غیرواقعی بودن تعرفه‌ها و سختی‌های گذراندن طرح و استقبال نکردن از ادامه تحصیل و گرفتن تخصص، خروج از کشور را گزینه مناسبی می‌دانند.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، رئیس سازمان نظام پزشکی کشور با تاکید بر اینکه شرایط اقتصادی برای کار کردن یک پزشک عمومی به‌هیچ‌عنوان مهیا نیست، گفت: «دلیل این امر، معیوب بودن سیستم ارجاع و غیرواقعی بودن تعرفه‌ها است و بیشتر پزشکان عمومی توان تهیه یک مطب برای فعالیت در آن را ندارند.»

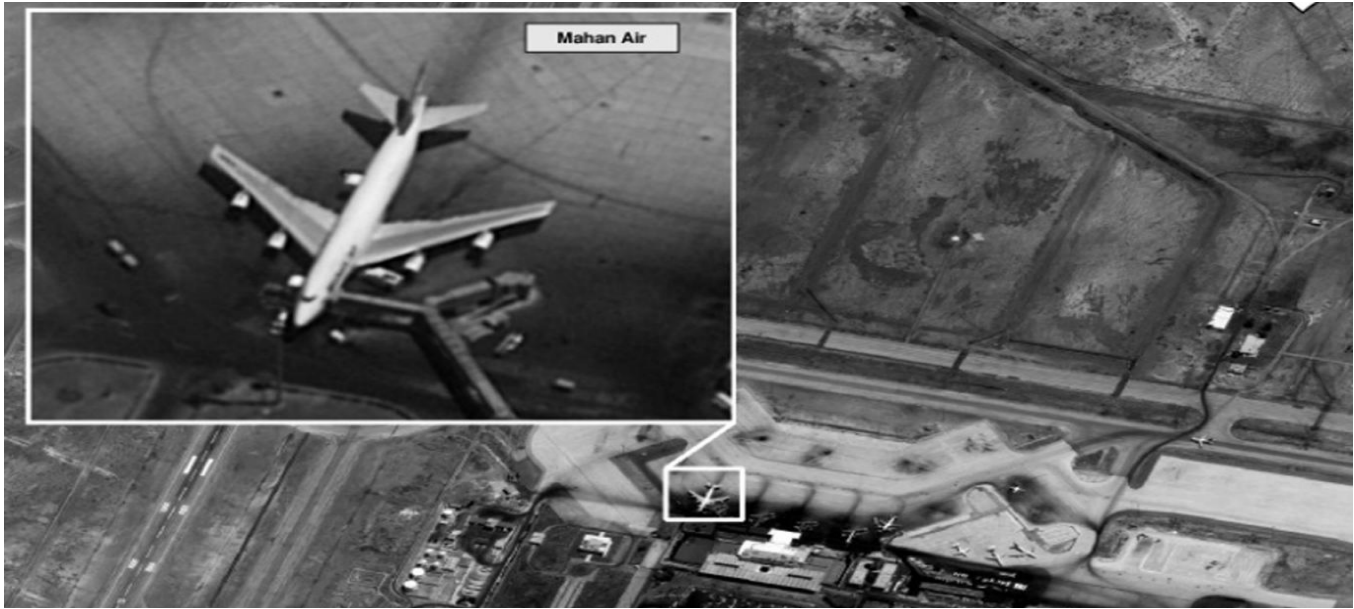
رئیس‌زاده با اشاره به اینکه حتی مهاجرت یک پزشک به خارج از کشور هم سنگین است، گفت که مهاجرت پزشکان قبل از همه‌گیری کرونا نیز وجود داشته است و هنوز هم ادامه دارد. او با بیان اینکه روح و جسم جامعه پزشکی در ۲۰ ماه همه‌گیری کرونا خسته و آزرده شده و مسائل و مشکلات معیشتی نیز بار اضافی‌ای بر دوش آنان گذاشته است، با انتقاد از مسئولان گفت که در این شرایط، مطرح کردن برخی مسائل حاشیه‌ای مثل تشکیل نظام طب سنتی و ایرانی درست نبود.

پیش از او نیز محمدرضا ظفرقندی، رئیس سابق سازمان نظام پزشکی، اعلام کرده بود که در یک سال منتهی به تابستان ۱۴۰۰، سه هزار پزشک برای دریافت «گوداستندینگ» اقدام کرده‌اند. ظفرقندی به روزنامه شرق گفته بود: «وقتی فارغ‌التحصیلان و به‌خصوص جوانان این جامعه می‌بینند در جای دیگر ارزش بیشتری برایشان قائل می‌شوند، به آنجا مهاجرت می‌کنند.» علی تاجرنیا، معاون او در همین سازمان، نیز خبر داده بود که در مدت ۱۰ ماه پس از شروع همه‌گیری کرونا، سه هزار پزشک به خارج از ایران مهاجرت کردند.

آماري که سازمان نظام پزشکی، ارائه می‌دهد، فقط آن دسته از پزشکان را شامل می‌شود که برای دریافت رضایت‌نامه کاری به این سازمان مراجعه می‌کنند؛ در حالی که پزشکان زیادی هم بدون دریافت مجوز از سازمان نظام پزشکی، ایران را ترک می‌کنند.

در دوران همه‌گیری کرونا، کادر درمان در ایران فشار مضاعفی را متحمل شد؛ استرس ناشی از بیماری، ابتلا و مرگ همکاران، نبود امنیت شغلی، دستمزدهای پایین، کشیک‌های طولانی و نبود مدیریت کارآمد برای کنترل بیماری بسیاری از پزشکان را با چالش مواجه کرد. خودکشی سربالی کادر درمان و مهاجرت پزشکان و پرستاران از ایران نتیجه همین فشارها بودند.

نگرانی مدیران «ماهان ایر» در پی افشای اسناد همکاری با سپاه قدس



آنها اعم از اسلحه و مهمات برای حمل با هواپیماهای مسافربری این شرکت هواپیمایی را به ما نشان می‌دهد.

بر اساس این اسناد، فردی که نماینده سپاه قدس و رابط این ارگان نظامی با شرکت ماهان ایر است، سرتیپ گل‌پرست نام دارد. گل‌پرست که در برخی اسناد سردار نامیده شده، مدیرعامل شرکتی صوری به نام «همره» یا «همراه سیر» است. این شرکت صوری در حقیقت وظیفه چارتر یا اجاره تمامی صندلی‌های برخی از پروازهای تهران به دمشق برای کارکنان سپاه قدس را بر عهده دارد. در حقیقت، سپاه قدس با واسطه و از طریق شرکت هم‌ره یا همراه سیر برای نیروهای خود بلیت سفارش می‌دهد. این امر نه‌تنها ارتباط ماهان و سپاه قدس را از سازمان هواپیمایی کشوری و دیگر نهادهای غیرنظامی داخل ایران پنهان می‌کند، بلکه از انتشار اطلاعات درباره استفاده نیروهای سپاه قدس از هواپیماهای این شرکت به نهادهایی چون سازمان بین‌المللی هوانوردی (ایکائو) هم مانع می‌شود.

پروازهای چارتر حامل جنگ‌جویان سپاه قدس به مقصد دمشق در اسفند ۱۳۹۸، به دنبال شیوع کرونا در ایران و جهان، پروازهای مسافری شرکت هواپیمایی ماهان به سوریه متوقف شد. توقف این پروازها تا آبان ۱۴۰۰ ادامه داشت. با انعقاد یک تفاهم‌نامه بین مقام‌های وزارتخانه‌های گردشگری ایران و سوریه در آبان ماه، آژانس‌های مسافرتی و شرکت‌های هواپیمایی تبلیغات سفرهای سیاحتی به سوریه را از آذرماه ۱۴۰۰ را از سر می‌گیرند. در حالی که از اسفند ۱۳۹۸ تا آبان ۱۴۰۰ امکان برگزاری تورهای سیاحتی برای هیچ آژانس مسافرتی وجود نداشته، بر اساس اسناد به دست آمده در جریان حمله سایبری به شرکت ماهان، ده‌ها پرواز چارتر تحت عنوان انتقال توریست از ایران به سوریه انجام شده است؛ آن هم در شرایط اوج شیوع ویروس کرونا؛ پروازهایی که طرف قرارداد آن‌ها آژانس مسافرتی همراه سیر بوده است. سندی به تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۹۹ از برقراری پنج پرواز چارتر به سفارش شرکت همراه سیر به ریاست نماینده سپاه قدس، سرتیپ گل‌پرست، از تهران

که کارشناسان امنیت سایبری معتقدند به واحد ۸۲۰۰ ارتش دفاعی اسرائیل یا دست‌کم از بخش خصوصی اما تحت قرارداد وزارت دفاع یا سرویس اطلاعاتی اسرائیل، موساد، وابسته‌اند، به حملات سایبری موفق علیه زیرساخت‌های غیرنظامی و همچنین نظامی/امنیتی جمهوری اسلامی ایران دست زده‌اند؛ از حمله به تأسیسات مرکز غنی‌سازی اورانیوم شهید احمدی‌روشن در نطنز تا سامانه‌های وزارت راه و شهرسازی و شرکت راه‌آهن، زندان اوین و دوربین‌های نظارتی آن و در نهایت سامانه کارت سوخت که به تعطیلی چهار هزار و ۲۰۰ جایگاه سوخت در سراسر ایران منجر شد. در پاسخ به حملات سایبری گروه تپندگان یا عدالت علی، گروه‌های هکری وابسته به فرماندهی سایبری سپاه پاسداران چون «عصای موسی» به حملات مشابه اما با آسیب‌رسانی به‌مراتب کمتر به وبسایت‌های شرکت‌های مهم اسرائیلی و همچنین سازمان‌های غیرنظامی در اسرائیل پرداخت. حمله سایبری به شرکت هواپیمایی ماهان را می‌توان فصل جدیدی از جنگ سایبری جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل به‌حساب آورد. در این گزارش به بررسی برخی اسناد مهم به دست آمده در جریان آن می‌پردازیم.

اسناد افشا شده چه اطلاعات جدیدی از همکاری‌های سپاه قدس و ماهان ایر به ما می‌دهد؟ استفاده کارکنان سپاه قدس و نیروهای نیابتی آن‌ها چون اعضای حزب‌الله لبنان و نیز نیروهای سپاه‌های فاطمیون، زینبیون و حسینیون از هواپیماهای مسافربری شرکت هواپیمایی ماهان برای سفر به دمشق، پایتخت سوریه، امری ناشناخته نیست. سال‌ها است که سرویس‌های اطلاعاتی غربی و به‌خصوص سرویس اطلاعاتی اسرائیل، موساد از این امر اطلاع دارند و با در اختیار قرار دادن اسناد و مدارک فعالیت‌های غیرقانونی ماهان با دولت‌های خود، تحریم این شرکت هواپیمایی را ممکن ساخته‌اند.

اسنادی که هکرها از وبسایت و دیتاسنتر(مرکز داده) شرکت ماهان منتشر کرده‌اند، سازوکار خرید بلیت برای کارکنان سپاه قدس و نیروهای نیابتی آن‌ها و همچنین ثبت بارهای خطرناک روز یکشنبه، ۳۰ آبان ۱۴۰۰ وبسایت و شبکه هوشمند ثبت مسافر و خرید بلیت شرکت هواپیمایی ماهان هدف حمله‌ای سایبری قرار گرفت. هک‌هایی که خود را عضو گروهی به نام «هوشمندان وطن» معرفی می‌کردند، با استفاده از شبکه اطلاع‌رسانی این شرکت هواپیمایی به مشتریان و کارکنان شرکت ماهان ایمیل و پیامک اعتراضی فرستادند و در این پیامک‌ها، اقدام خود را در راستای اعتراض به همکاری این شرکت هواپیمایی با سپاه قدس و همچنین اعتراض به کشتار معترضان در جریان سرکوب وحشیانه اعتراض‌های مدنی گسترده علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران در آبان ۹۸ بیان کردند.

در نتیجه حمله سایبری به شرکت هواپیمایی ماهان، وبسایت این شرکت از دسترس خارج شد و تا چند ساعت، امکان خرید بلیت، ثبت اطلاعات مسافران و بسیاری از خدمات اینترنتی و آنلاین این شرکت هواپیمایی میسر نبود. همچنین در روند شماری از پروازهای داخلی این شرکت اخلاص ایجاد شد. با وجود این، مدیران شرکت هواپیمایی ماهان این موضوع را امری رایج اعلام و ادعا کردند که همه روزه با چنین حملاتی دست‌و‌پنجه نرم می‌کنند؛ اما آنچه از بیان آن خودداری کردند، دستیابی هکرها به اسناد و اطلاعات محرمانه شرکت ماهان بود.

اسناد به دست آمده از هکرها نشان‌دهنده جزئیات جدیدی از همکاری‌های شرکت هواپیمایی ماهان و سپاه قدس است؛ همکاری‌هایی برای جابه‌جایی نیروهای نظامی سپاه قدس و نیروهای نیابتی آنان و همچنین تسلیحات سبک با هواپیماهای مسافربری این شرکت از تهران به دمشق. شرکت هواپیمایی ماهان سال‌ها است که به حمل‌ونقل کارکنان سپاه قدس و نیروهای نیابتی آن در قالب مسافران عادی مشغول است؛ امری که با دو هدف پنهان نگه داشتن فعالیت‌های سپاه قدس در سوریه در وهله اول و استفاده از مسافران غیرنظامی هواپیماهای ماهان به‌عنوان سپر انسانی، در وهله دوم، صورت می‌گیرد.

در ماه‌های اخیر، هک‌هایی

نمایی از پایمال کردن حقوق بشر در کوردستان ایران در نیمه دوم آبان ماه با استناد به آژانس خبرسانی کردستان، (کردپا)

احضار شهروندان به مراکز اطلاعاتی



افشین حسین‌پناهی، فعال مدنی به شعبه دوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب سمنج احضار شد. این فعال مدنی براساس ابلاغیه‌ای که روز سه‌شنبه هجدهم آبان‌ماه دریافت کرده باید پنج روز پس از ابلاغ احضاریه برای دفاع از اتهام انتسابی در شعبه دوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب سمنج حاضر شود. روز پنج‌شنبه بیستم آبان‌ماه، سه شهروند کرد به نام‌های «ایوب مینایی، جمال عزیزی و سامان خسروی» اهل روستای «پیر عمران» از توابع سقز به اداره اطلاعات این شهرستان احضار شدند. در همین رابطه نیز، روز پنج‌شنبه بیستم آبان‌ماه، دو شهروند کرد به نام‌های «عبدالله مهجور» ۵۵ ساله و «محمد مهجور» ۳۶ ساله اهل روستای «ملقرنی» از توابع سقز از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

شلیک نظامیان حکومتی به شهروندان

شامگاه روز یکشنبه شانزدهم آبان‌ماه، یک شهروند کرد به نام «فرهاد زندی چرخه بیان» فرزند عزت‌الله اهل سمنج بر اثر شلیک مأموران انتظامی جان خود را از دست داد.

کشته و مجروح شدن کولبران و کاسبکاران



روز یکشنبه بیست و سوم آبان‌ماه، یک کولبر کرد به نام «آروین شوکتی» ۱۸ ساله فرزند کریم ساکن شهر صاحب از توابع شهرستان سقز بر اثر انفجار مین در مرز «هنگه‌ژال» بانه زخمی شد. روز دوشنبه هجدهم آبان‌ماه، یک کولبر کرد به نام «کریم خنده‌دار» اهل روستای «میر شیخ حیدر» از توابع سردهشت در پی شلیک نظامیان حکومتی زخمی شد.

محکوم کردن شهروندان به حبس



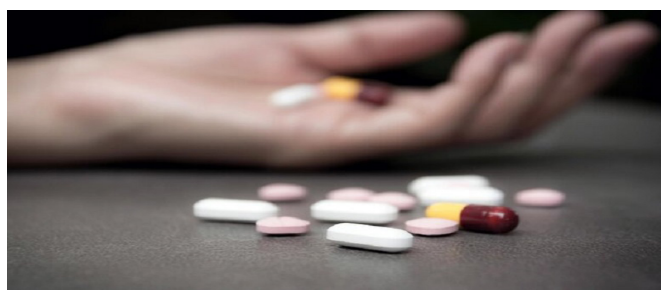
یک شهروند کرد به نام «چیا آقابیک‌پور» فرزند احمد اهل روستای «رحیم خان» از توابع بوکان از سوی دادگاه انقلاب این شهر به یکسال و دو ماه حبس، ۷۰ ضربه شلاق و پرداخت ۳۰ میلیون تومان جریمه نقدی محکوم شد.

تمدید قرار بازداشت



قرار بازداشت موقت یک شهروند کرد به نام «فاتح سعداللهی» اهل روستای «شیان» از توابع سمنج به مدت دو ماه دیگر تمدید شد.

خودکشی زنان و مردان



روز چهارشنبه بیست و ششم آبان‌ماه، یک جوان ۱۸ ساله به نام «سروش رحمانی» فرزند فاروق اهل روستای «هانی گرمه» از توابع بخش نوسود شهرستان پاوه با اقدام به خودکشی به زندگی خود پایان داد. روز دوشنبه بیست و چهارم آبان‌ماه، یک دختر نوجوان به نام «الینا صادقی» ۱۴ ساله فرزند امیر اهل شهرستان کامیاران به زندگی خود پایان داده است.

بازداشت شهروندان



روز چهارشنبه بیست و ششم آبان‌ماه، یک شهروند کرد به نام «زاگرس رشیدی» فرزند سعید اهل روستای «چومان» از توابع شهرستان بانه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است. یک شهروند کرد به نام «مهدی پارسنگ» ۳۰ ساله فرزند حیدر اهل شهرستان سرپل ذهاب از توابع استان کرمانشاه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است. روز سه‌شنبه بیست و پنجم آبان‌ماه، یک عکاس خبرنگار کرد به نام «ابراهیم علی‌پور» اهل شهرستان بانه از سوی نیروهای طالبان در افغانستان بازداشت شد.

روز چهارشنبه بیست و ششم آبان‌ماه، یک فعال محیط زیست به نام «جهانگیر ساغرینیا» ۳۳ ساله عضو انجمن حامیان محیط زیست پیرانشهر از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد. روز دوشنبه بیست و چهارم آبان‌ماه، یک شهروند کرد به نام «آرمان زاهدی» ۲۳ ساله فرزند کریم اهل روستای «پیر عمران» از توابع سقز توسط نیروهای امنیتی بازداشت و ساعتی بعد آزاد شد. امروز یکشنبه بیست و سوم آبان‌ماه، آرام مرادیان، شهروند اهل روستای «تنگیسر» از توابع سمنج پس از حضور در دادگاه انقلاب سمنج بازداشت شد.

بامداد امروز یکشنبه بیست و سوم آبان‌ماه، چهار شهروند کرد به نام‌های «آرش منبری» فرزند حسین، «زانیار منبری»، فرزند امان‌الله، «سیوان منبری» فرزند حشمت و «میلاد منبری» فرزند محمد اهل روستای «نیهر» از توابع سمنج توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. بامداد روز شنبه بیست و دوم آبان‌ماه، شش شهروند کرد به نام‌های «فرید درخشانی، کیوان مینویی، عبدالرحمان افشار، ادریس بهرامیان، عبدالرحمان اشتک و محمد احمدی» اهل روستای «نی» از توابع مریوان از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند. امروز پنج‌شنبه بیستم آبان‌ماه، عمر شریفی بوکانی، زندانی سیاسی سابق اهل بوکان ساکن تهران از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد.

انتقال شهروندان



روز شنبه بیست و نهم آبان‌ماه، ارسطو (رسول) ملارجیمی، فعال مدنی اهل مهاباد جهت اجرای حکم بازداشت و به زندان این شهرستان منتقل شد. روز چهارشنبه نوزدهم آبان‌ماه، سمکو معروفی، فعال محیط زیست و عضو انجمن زیست محیطی «ولات» جهت اجرای حکم به زندان بوکان منتقل شده است. روز دوشنبه هجدهم آبان‌ماه، یک شهروند زن به نام «سعدا خدیرزاده» فرزند رحیم اهل پیرانشهر از بازداشتگاه اطلاعات سپاه به زندان مرکزی ارومیه منتقل شد.